

**بررسی تأثیر ابعاد ساختاری و شناختی سرمایه‌ی اجتماعی بر احساس شهروندی (مطالعه‌ی موردی):
ساکنان ۱۸ سال به بالای شهر مشهد)*
جواد افشارکهن^۱، فاطمه ناجی مهر^۲**

چکیده

در جهان امروز شهروندی یکی از اساسی‌ترین مفاهیم در حوزه‌ی مسائل شهری تعریف می‌شود؛ به گونه‌ای که بررسی عوامل مؤثر بر تحقق و یا موانع عدم تحقق این مفهوم در سطوح محلی و شهری مورد توجه بسیاری از محققان و پژوهشگران امر است. جوامع شهری، برای بقای خود نیازمند حضور شهروندانی هستند که از احساس شهروندی بالایی - که به عنوان اصلی‌ترین مؤلفه در عمل به شهروندی تلقی می‌شود - برخوردار باشند. با توجه به اینکه سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان کلید استقرار جامعه‌ی مدنی مطرح است؛ هدف این تحقیق بررسی تأثیر ابعاد ساختاری (شبکه‌های مشارکت اجتماعی) و شناختی (اعتماد، اطلاعات و همیاری) سرمایه‌ی اجتماعی بر احساس شهروندی افراد است. روش تحقیق این پژوهش پیمایشی می‌باشد و جامعه‌ی آماری آن ساکنان مناطق ۱۳ گانه‌ی شهر مشهد هستند که ۴۱۵ نفر آن‌ها از طریق نمونه‌گیری چند مرحله‌ای به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. با استفاده از پرسش‌نامه، داده‌های مورد نیاز، جمع‌آوری و با استفاده از نرم‌افزار Spss و Amos پردازش شدند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که بین احساس شهروندی و هر یک از ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی رابطه‌ی مثبت و معتداری وجود دارد؛ به طوریکه میزان اثرگذاری بعد شناختی سرمایه‌ی اجتماعی بر احساس شهروندی ۰/۴۳۴ و میزان اثرگذاری بعد ساختاری آن بر احساس شهروندی ۰/۲۸۹ است.

هم‌چنین نتایج تحقیق بیانگر این مطلب است که در جامعه‌ی آماری این مطالعه، فلش علیت با حرکت از بعد ساختاری به بعد شناختی سرمایه‌ی اجتماعی در افزایش احساس شهروندی افراد نقش مؤثرتری ایفا می‌کند.

واژگان کلیدی: احساس شهروندی، وظایف شهروندی، حقوق شهروندی، سرمایه‌ی اجتماعی ساختاری، سرمایه‌ی اجتماعی شناختی

مقدمه

یکی از چالش‌های کنونی نظام‌های برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، ضرورت تحقق شهروندی در سطوح محلی و شهری است. مؤلفه‌هایی همچون حقوق، وظایف و مشارکت شهروندی در اداره‌ی امور محلی و شهری از جمله عوامل شکل‌دهنده به مفهوم شهروندی هستند.

هر جامعه‌ی پویا و سالم شهری، نیازمند حضور شهروندانی است که علاوه بر آگاهی از حقوق شهروندی به وظایف و مسؤولیت‌های خود در قبال اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند متعهد باشند و تنها به صرف اینکه ساکن شهر هستند خود را شهروند تلقی نمایند؛ لازمی تحقق چنین امری تقویت احساس شهروندی افراد است که به گفته‌ی کانور به عنوان کلیدی‌ترین مؤلفه در عمل به شهروندی محسوب می‌شود (کانور، ۱۹۹۷)؛ تنها در این صورت است که زمینه‌ی تحقق توسعه‌ی پایدار در تمامی عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زندگی شهری فراهم می‌شود.

بیان مسأله

در سال‌های اخیر مفهوم شهروندی به یکی از پیچیده‌ترین مسائل سیاسی و اجتماعی در حوزه‌ی مسائل شهری تبدیل شده و توجه متفکران زیادی را در این حوزه به خود معطوف داشته است.

* این پژوهش با حمایت مالی و معنوی مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد انجام شده است.

^۱ دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان
j.afsharkohan@basu.ac.ir

^۲ کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا
fatemeh.najimehr@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۱۵

تاریخ وصول: ۹۲/۷/۲۸

شهروندی یکی از مهمترین مفاهیم و ایده‌های اجتماعی است که در بازخوانی رابطه‌ی فرد و جامعه کارایی دارد. عنوان شهروند به عضوی از یک اجتماع سیاسی اطلاق می‌گردد که برخوردار از همه‌ی حقوق و متعهد به همه‌ی مسؤولیت‌هایی است که با این عضویت همراه می‌باشد (ترکمان و بهمن پور، ۱۳۸۹: ۱۰). بنابراین آنچه کاملاً مشخص است این است که اعضای یک جامعه، تنها به صرف زندگی در شهر، شهروند محسوب نمی‌گردند بلکه شهروندی، شکل پیشرفته و تکامل یافته‌ی شهرنشینی است که تنها به چگونگی حضور ظاهری شهرنشینان در "کالبد فیزیکی" شهر اشاره نمی‌کند، بلکه از ضرورت آگاهی شهرنشینان از حقوق یکدیگر و عمل به مسؤولیت‌ها و وظایف خود در قبال اجتماعی به نام شهر سخن می‌گوید و آن را شرط لازم ارتقای جایگاه فرد از شهرنشین به شهروند می‌داند (مانی فر: ۱۳۷۶).

مسأله‌ی مورد تأمل این است که متأسفانه در بسیاری از کشورهای رو به توسعه از جمله ایران، گسترش شهرنشینی با سرعتی بی‌سابقه اتفاق افتاده است؛ به همین دلیل بسیاری از شهروندان آمادگی لازم برای ورود به این نوع زندگی را پیدا نکرده‌اند و به صرف حضور در شهر، خود را شهروند دانسته و با بی‌توجهی به قوانین شهرنشینی از جمله عدم رعایت حقوق دیگر شهروندان، نداشتن مشارکت در امور شهری، عدم تعهد در قبال وظایف شهروندی و... باعث از هم پاشیدن اعتماد اجتماعی و به خطر افتادن منافع ملی به نفع منافع شخصی خود می‌شوند؛ بنابراین توجه به عوامل مؤثر در افزایش احساس شهروندی افراد و تقویت آن در میان افراد اجتماع، خود مانع گسترش هرچه بیشتر دامنه‌ی ناهنجاری‌های اجتماعی در جامعه می‌گردد.

از سوی دیگر، از بحث‌های مهم در دو دهه‌ی اخیر، بحث سرمایه‌ی اجتماعی است که در صور مختلف زندگی مدنی خود را نشان می‌دهد. امروزه وجود سرمایه‌ی اجتماعی کلید استقرار جامعه‌ی مدنی و در نهایت رسیدن به توسعه‌ی پایدار محسوب می‌شود؛ به عبارت دیگر شاید مهمترین عاملی که سبب اهمیت یافتن بحث سرمایه‌ی اجتماعی در سیاست‌گذاری‌ها و تحقیقات علمی شده است، تأکید بر وجه مثبت جامعه‌پذیری آن بوده است (ایمانی جاجرمی و فیروز آبادی، ۱۳۸۵: ۱۹۸).

سرمایه‌ی اجتماعی مجموعه روابط، شبکه‌ها و هنجارهایی نظیر اعتماد، همیاری و... است که در سایه‌ی تحقق آن امکان فعالیت جمعی و تعاون و همکاری بین افراد نیز فراهم می‌شود؛ و بدین ترتیب به عنوان عاملی مؤثر در تقویت حس احترام افراد به حقوق یکدیگر، مانع رفتارهای منفعت‌جویانه افراد به نفع خود و به ضرر اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند می‌شود. براین اساس سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان یک دارایی مهم برای حفظ و نگهداری سلامت جامعه‌ی و توانمندی جامعه مدنی پذیرفته شده است (نیاکان، ۱۳۸۶: ۴۵). از این رو به نظر می‌رسد که سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان یک محرک قوی در تقویت احساس شهروندی افراد برای تحقق شهروندی مطلوب عمل می‌کند؛ بنابراین مسأله‌ی اصلی در این مقاله، بررسی چگونگی تأثیر مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی (ساختاری و شناختی) بر احساس شهروندی است. در واقع تعیین اینکه هریک از این مؤلفه‌ها تا چه اندازه بر تقویت احساس شهروندی مؤثر هستند، هدف اصلی این مقاله است.

جدول ۱- پیشینه‌ی پژوهش

نام پژوهشگر	سال	یافته‌ها
روشنفکر و ذکایی	۱۳۸۵	بین جنبه‌های هنجاری سرمایه‌ی اجتماعی (اعتماد و بده بستان) با کلیه گرایش‌های

داوطلبانه جوانان رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد.		
بین سرمایه‌ی اجتماعی و کنش مدنی رابطه‌ی معناداری وجود داشته و اعتماد بالاترین تأثیر را بر کنش مدنی داشته است.	۱۳۸۸	ماجدی و لهسایی‌زاده
عناصر شناختی سرمایه‌ی اجتماعی بیشتر فاکتورهای شکل‌دهنده‌ی کنش مدنی را تبیین می‌کنند تا توصیفات مبتنی بر شبکه. با افزایش سن، سرمایه‌ی اجتماعی و میزان درگیری‌های مدنی افزایش می‌یابد.	۲۰۰۶	فهمی
اعتماد دوسویه بین افراد عامل مهمی در انجام کنش جمعی می‌باشد.	۲۰۰۶	لیگ
شکل‌های مختلف سرمایه‌ی اجتماعی یعنی قابلیت اعتماد و ساختار شبکه‌ای و نهادها بر روی باور اعتمادکنندگان و رفتار اعتمادی تأثیر گذاشته و در نهایت بر روی کنش جمعی مؤثر می‌باشد.	۲۰۰۲	آهن و استروم
برخلاف بحث‌های نظری پیرامون سرمایه‌ی اجتماعی ساختاری و شناختی، که اعتقاد به تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی ساختاری بر سرمایه‌ی اجتماعی شناختی دارد، فلش علی این ارتباط با احتمال بیشتری از بعد شناختی به بعد ساختاری سرمایه‌ی اجتماعی حرکت می‌کند.	۲۰۰۵	اسلانر و براون
شبکه‌های اجتماعی در هماهنگی با اعتماد، مردم را در زندگی مدنی درگیر می‌کنند.	۲۰۰۴	کواک و همکاران
مردمی که با هم محله‌ای‌های خود معاشرت و همکاری کرده و به آنها اعتماد می‌کنند با احتمال بیشتری در کنش‌های مدنی درگیر می‌شوند. افراد با پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالاتر بیشتر در کنش‌های جمعی شرکت می‌کنند.	۲۰۰۴	لارسن و همکاران
بالا بودن سرمایه‌ی اجتماعی در یک منطقه، به کنش جمعی منجر می‌شود.	۲۰۰۲	کریشنا و آپهوف

نتیجه‌گیری از پیشینه‌ی تحقیق

نتایج تحقیقات داخلی نشان می‌دهد که مفهوم شهروندی در ایران هنوز تحقق کامل پیدا نکرده است و آگاهی نسبت به حقوق، عمل به وظایف و برخورداری از احساس شهروندی افراد دچار ضعف است. همچنین نتایج تحقیقات داخلی و خارجی بیانگر این موضوع است که سرمایه‌ی اجتماعی در افزایش کنش جمعی نقش مؤثری دارد و از میان شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد بالاترین میزان تأثیرگذاری را داشته است.

در مجموع می‌توان گفت که سرمایه‌ی اجتماعی در اکثر کارهای انجام شده در داخل کشور با متغیرهایی چون مشارکت اجتماعی، فعالیت‌های داوطلبانه و مواردی از این قبیل در ارتباط گزارده شده و در مورد رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و شهروندی مطالعه‌ی چندانی صورت نگرفته است. در مطالعات صورت گرفته در خارج از کشور نیز عمدتاً به بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر کنش جمعی پرداخته شده است که غالباً بعد عملی شهروندی که در برگرفته‌ی حقوق و وظایف است، مورد بررسی قرار گرفته است و به بعد احساسی آن کمتر پرداخته شده است. در این تحقیق در بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و شهروندی در راستای تحقیقات پیشین که بعد عملی شهروندی را مد نظر قرار داده بودند علاوه بر بعد عملی، بعد احساسی شهروندی را نیز مد نظر قرار داده، هم‌چنین تأثیرات پایگاه اجتماعی و اقتصادی و متغیرهای زمینه‌ای همچون جنسیت، سن و ... نیز را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

مبانی نظری تحقیق

شهروندی

از نظر حقوق و تعهدات شهروندی سه دیدگاه متفاوت درباره‌ی شهروندی وجود دارد:

۱. آنها که بر حقوق شهروندی تأکید دارند (لیبرالیسم)^۳

۲. آنها که بر مسؤولیت‌های شهروندی تأکید دارند (اجتماع‌گرایان)^۴

۳. آنها که بر تعادل بین حقوق و مسؤولیت‌ها تأکید دارند (سوسیال دموکرات‌ها)^۵؛ (شیانی و فاطمی نیا، ۱۳۸۸: ۱۰۷).

اکثر نظریات مطرح در شهروندی هر دو جنبه‌ی حقوق و وظایف را مد نظر قرار داده‌اند، اما تأکید عمده‌ی آنها بیشتر بر حقوق شهروندی است. به گونه‌ای که بسط و گسترده‌گی این نظرات در قالب حقوق شهروندی صورت گرفته است. از جمله نظریه‌پردازان مطرح شهروندی می‌توان به مارشال، ترنر، ژانوسکی و هیتز اشاره کرد.

پیشینه‌ی ظهور مفهوم شهروندی به عنوان ابزار مهم تحلیلی در تفکر جامعه‌شناسی به آرای مارشال باز می‌گردد. وی بیشتر بر جنبه‌های حقوقی شهروندی تأکید دارد و این حقوق را شامل سه دسته: حقوق مدنی، حقوق اجتماعی رفاهی و حقوق سیاسی می‌داند که به موازات گسترش نهادهای سازشی‌ها و بسترسازی‌های ساختاری حقوقی، سیاسی و اجتماعی در تاریخ شهروندی غرب نمود یافته است (توسلی و نجات حسینی، ۱۳۸۳: ۳۸-۳۷).

ترنر در تعریف شهروندی دو فرایند برخورداری و فرایند محرومیت را مد نظر قرار می‌دهد که فرایند برخورداری از طریق بازتخصیص منابع، موجب دستیابی شهروندان به منابع و امکانات جامعه می‌گردد و فرایند محرومیت از طریق ساخت یک هویت مشترک، دیگران را از مزایای شهروندی محروم می‌سازد (ترکمان و بهمن پور، ۱۳۸۹: ۱۷). این منابع شامل منابع اقتصادی چون مسکن، درآمد، منابع فرهنگی چون آموزش و منابع سیاسی چون آزادی بیان، مذهب و عقیده است. در کنار این منابع وی به سه نوع حقوق شهروندی اشاره می‌کند که عبارتند از: حقوق اقتصادی مربوط به نیازهای اساسی برای مسکن و غذا، حقوق فرهنگی شامل دسترسی به رفاه و تحصیلات و حقوق سیاسی مربوط به آزادی‌های فردی و مشارکت در دستگاه‌های سیاسی (شیانی و داوودوندی، ۱۳۸۹: ۴۲). وی در انتقاد به مارشال، به دو اصل تفاوت‌پذیری (تقسیمات جنسیتی، نژادی و طبقات اجتماعی) و انسجام مورد نظر برخی جامعه‌شناسان اشاره می‌کند که آن را سامان دهنده‌ی جوامع می‌دانند (هاشمیان فر و گنجی، ۱۳۸۸: ۳۰).

ژانوسکی نیز همچون مارشال به بعد حقوقی شهروندی توجه بیشتری داشته است. وی با انتقاد به نظریه‌ی مارشال و ترنر به اینکه آنها با پذیرش مدل سه تایی، حقوق غیر متجانس را با هم یکی کرده‌اند، با بسط نظریه‌ی مارشال یک مدل چهارتایی ارائه می‌دهد که علاوه بر حقوق قانونی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی، حقوق مشارکت را نیز در بر می‌گیرد. او معتقد است با افزودن حقوق مشارکت به سه تایی حقوق شهروندی، قادر خواهیم بود بهتر به تحلیل حقوق شهروندی در کشورهای مختلف بپردازیم (ترکمان و بهمن پور، ۱۳۸۹: ۱۸).

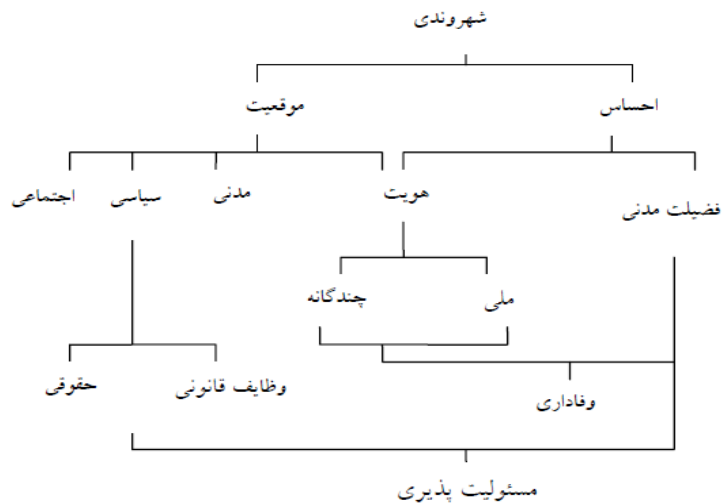
در این میان به نظر می‌رسد در میان نظریات مختلف مطرح شده، طرح هیتز از جمله معدود مدل‌هایی است که در آن از احساس شهروندی سخن به میان آمده است. این طرح شهروندی را دارای پنج عنصر اساسی می‌داند، که علاوه بر تعریف مارشال از شهروندی، دو بعد هویت و فضیلت مدنی را نیز در بر می‌گیرد.

نمودار ۱- طرح پیشنهادی هیتز برای شهروندی

³ Liberalis

⁴ Communitarian

⁵ Social Democratic



(نبوی و همکاران، ۱۳۸۸)

این طرح پیوستگی عناصر را نشان می‌دهد و این اشکال مدنی، سیاسی، و اجتماعی شهروندان به مثابه‌ی موقعیت است و این موقعیت در برگزیده‌ی حقوق و وظایف مدنی است. برعکس، فضیلت مدنی به طرز تلقی‌ها و رفتارها منجر می‌شود. این بخش تا حدی بیانگر وفاداری به دولت و اجتماع بوده و در کنار اجرای وظایف قانونی بیانگر احساس مسئولیت‌پذیری است.

هویت هم دو جنبه دارد و به موقعیت فرد برخوردار از حقوق از طریق ملیت و احساس نیاز تعلق به گروه‌های اجتماعی مربوط می‌شود. این طرح بسیار خلاصه شده و اختلافات جزئی، بویژه تعارضات اساسی میان سنت‌های مطروحه در مدل ترنر را نادیده گرفته است. احساس شهروندی همچنان که هیتز نیز در طرح خود از شهروندی می‌آورد، در دو بعد هویت و فضیلت مدنی به وفاداری نسبت به اجتماع می‌انجامد (نبوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۵-۹۶).

در این کار ما برای شهروندی بعد احساسی آن را در نظر گرفتیم که مبنای تحقیقمان می‌باشد؛ اما نکته‌ای که بسیاری از صاحب‌نظران داخلی بدان اشاره کرده‌اند، ناهمخوانی وضعیت شهروندی در ایران با واقعیت شهروندی در جهان است؛ بنابراین بهتر است که برای احساس شهروندی متناسب با وضعیت ایران از آرای صاحب‌نظران داخلی نیز استفاده گردد. به نظر پرویز پیران برای احساس شهروندی اشاره به چند عامل مختلف و در عین حال به هم مرتبط لازم است؛ نخست اینکه این امر یک خصیصه‌ی درونی شده^۶ به عنوان بخشی از جامعه‌پذیری است که نشان دهنده‌ی انصاف در تمامی امور همراه با پذیرش مردم به منزله‌ی همشهری است که بدین ترتیب احترام به حقوق آن‌ها را در پی دارد. دوم اینکه این موضوع امری است بیرونی^۷ که حاکی از وظایف و حقوق است (نبوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۶).

بنابراین، با توجه به نظریات بالا، احساس شهروندی به عنوان متغیر وابسته‌ی تحقیق شامل متغیرهای آگاهی از وظایف شهروندی، آگاهی از حقوق شهروندی، پذیرش دیگران به منزله‌ی همشهری و اولویت منافع اجتماع بر منافع شخصی می‌باشد.

^۶ Internalized quality

^۷ External

سرمایه‌ی اجتماعی

بر طبق نظریه‌ی بوردیو سرمایه‌ی اجتماعی از دو بعد تشکیل شده است: ۱- شبکه‌ها و ارتباطات ۲- جامعه‌پذیری. بوردیو مشخصاً توضیح می‌دهد که افراد نباید فقط به رابطه داشتن با دیگران اکتفا کرده، بلکه باید بدانند این شبکه‌ها چگونه عمل می‌کنند و چگونه می‌توان این روابط را در طول زمان حفظ کرد و از آن‌ها بهره گرفت (شجاعی، ۱۳۸۷: ۵۴).

دیدگاه بوردیو در زمینه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی یک دیدگاه ابزاری صرف است؛ به عبارتی اگر سرمایه‌ی اجتماعی نتواند موجب رشد سرمایه‌ی اقتصادی شود، کاربردی نخواهد داشت. هم‌چنین وی سرمایه‌ی اجتماعی را مجموعه‌ای متعلق به ممتازان و ابزاری برای حفظ برتری آنها می‌داند و این احتمال که افراد و گروه‌های دیگر که امتیازات کمتری دارند، هم ممکن است از پیوندهایشان منفعی به دست آورند را رد می‌کند (فیلد، ۱۳۸۵: ۳۲).

به اعتقاد کلمن سرمایه‌ی اجتماعی را باید با کارکردش تعریف کرد، کارکردی که به وسیله‌ی سرمایه‌ی اجتماعی مشخص می‌شود، ارزش جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی است که کنشگران به عنوان منابعی جهت تحقق اهداف و علایق خود از آن‌ها استفاده می‌کنند. کلمن به شدت متأثر از افکار گری بکر بود؛ مطالعات بکر در زمینه‌ی سرمایه‌ی انسانی در چارچوب نظریه‌ی انتخاب عقلانی صورت گرفته است (بکر، ۱۹۶۴: ۴۲۶). کلمن سرمایه‌ی اجتماعی را نوعی کالای عمومی می‌داند ولی تأکیدش بیشتر بر منابع فردی سرمایه‌ی اجتماعی در چارچوب نظریه‌ی عقلانی است. او برخلاف بوردیو معتقد است که سرمایه‌ی اجتماعی صرفاً محدود به طبقه‌ی مرفه نبوده بلکه می‌تواند برای طبقات پایین نیز مفید باشد (فیلد، ۱۳۸۵: ۳۵).

از نظر فوکویاما، هنجارهایی که شالوده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی را شکل می‌دهند، در صورتی معنا دارند که بیش از یک فرد در آن سهیم باشد. به همین دلیل کارکرد سرمایه‌ی اجتماعی در نظریات فوکویاما در سطح جامعه است. به اعتقاد وی سرمایه‌ی اجتماعی بر پایه هنجارهای و ارزش‌های مشترک در یک اجتماع و هم‌چنین بر تمایل به جایگزینی منافع شخصی با منافع گسترده‌تر استوار است. ارزش مشترک به بازیگران اجازه می‌دهد تا به یکدیگر اعتماد کنند. اعتماد امری است که به افراد امکان می‌دهد تا با دیگران معاشرت کنند و از این طریق به ظهور سرمایه‌ی اجتماعی می‌انجامد، که این توانایی را به افراد می‌دهد که برای تحقق اهداف مشترک با همدیگر همکاری کنند. در واقع در نظریه‌ی فوکویاما، اعتماد مبنای جامعه خودجوش است که موجب ظهور گروه‌ها و سازمان‌هایی می‌شود که جامعه‌ی مدنی را شکل می‌دهند (نوابخش و فدوی، ۱۳۸۷: ۲۹).

در حالی که بوردیو و کلمن رویکردهای خود را بر روی سرمایه‌ی اجتماعی در سطح افراد متمرکز کرده‌اند، پاتنام همچون فوکویاما به بررسی این مفهوم به عنوان یک دارایی در مقیاس کلان می‌پردازد. او سرمایه‌ی اجتماعی را پدیده‌ای در نظر می‌گیرد که میزان تمایل به فعالیت مدنی در اعضای جامعه، وجود هنجارهای اجتماعی اشاعه دهنده‌ی کنش جمعی و میزان اعتماد به نهادهای عمومی را در بر می‌گیرد. در نظریه‌ی وی، همانند سه نظریه‌ی پیشین، سرمایه‌ی اجتماعی به شبکه‌های اجتماعی و روابط میان افراد اشاره دارد. مفاهیم بده بستان و قابل اعتماد بودن که در نظریه‌ی کلمن معرفی شده بود اجزای اصلی نظریه‌ی پاتنام را تشکیل می‌دهند. بر طبق نظریات وی، مفاهیم اعتماد و بده بستان از روابط شبکه‌ای اجتماعی مان بر می‌خیزند و به این ترتیب امتیاز مدنی بودن یا یک

اجتماع سرشار از اعتماد را تولید می‌کنند که ساکنان آن نه فقط همدیگر را می‌شناسند بلکه به شکل فعالی در زندگی یکدیگر نقش داشته و روابطی مفید و مملو از اعتماد را برقرار کرده‌اند.

بنابراین در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان اذعان داشت که همه‌ی تعاریف سرمایه‌ی اجتماعی در این نکته توافق دارند که اجزایی همچون اعتماد و همیاری که در روابط اجتماعی عمل می‌کنند جزئی از مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی هستند، البته با این تفاوت که تعریف بوردیو و کلمن از سرمایه‌ی اجتماعی بر خلاف پاتنام منافع خارجی و بهره‌های عمومی سرمایه‌ی اجتماعی را چندان در بر نمی‌گیرد؛ بنابراین با توجه به جامعیت دیدگاه پاتنام، علاوه بر استفاده از سایر نظریه‌های مطرح شده، تأکید این تحقیق بیشتر بر نظریه‌ی اوست.

از طرفی آپهوف برای فهم بهتر سرمایه‌ی اجتماعی یک چارچوب مفهومی ارائه می‌دهد و سرمایه‌ی اجتماعی را به دو طبقه ساختاری و شناختی تقسیم می‌کند (ماجدی و لهسایی‌زاده، ۱۳۸۵: ۹۲). وی این نوع مفهومی کردن سرمایه‌ی اجتماعی را با ایده‌های کلمن و پاتنام از سرمایه‌ی اجتماعی هماهنگ می‌داند. به نظر وی سازماندهی عوامل سازنده-ی سرمایه‌ی اجتماعی به دو طبقه‌بندی اصلی - که می‌تواند آن را دقیق‌تر و برای مطالعه آماده کند - مناسب‌تر است و چنین تدوینی از مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی به گونه‌ای است که برای پیشرفت کارهای نظری و اندازه‌گیری و ارزیابی مناسب‌تر خواهد بود (ماجدی و لهسایی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۰۰).

بنابراین با توجه به تمامی نظریات مطرح شده در زمینه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان متغیر مستقل تحقیق در سطح کلان اینگونه تعریف می‌شود: سرمایه‌ی اجتماعی منبعی برای کنش جمعی تلقی می‌گردد که در بعد ساختاری شامل متغیر شبکه‌های ارتباطی و در بعد شناختی شامل متغیرهای اعتماد و هنجار همیاری، آگاهی و اطلاعات است.

رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و شهروندی

همانطور که مشاهده شد تمامی نظریه‌پردازان سرمایه‌ی اجتماعی بر ضرورت شکل‌گیری شبکه‌های ارتباطی به عنوان فاکتوری از سرمایه‌ی اجتماعی تأکید داشته‌اند.

شبکه‌های اجتماعی و جامعه‌پذیری، ابعاد اصلی نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی بوردیو (۱۹۹۳) هستند. در دید بوردیو افراد باید در شبکه‌های اجتماعی حضور فعال داشته تا امکان فراهم شدن و دستیابی به منافعشان فراهم شود. بدین صورت تلاش‌های فردی هر یک از افراد در درون شبکه روابط، خود می‌تواند باعث پویایی جامعه شود و زمینه‌ی مشارکت‌های اجتماعی را فراهم کند. البته این نوع مشارکت به دلیل اینکه تنها با انگیزه تحقق منافع فردی صورت می‌گیرد پویایی درونی را در جامعه ایجاد نمی‌کند، و به اندازه مشارکت‌های خودجوشی که در نظریه‌ی پاتنام مطرح است تأثیرگذار نخواهد بود، چرا که پاتنام نسبت به جنبه‌های فردی، بیشتر بر جنبه‌های عمومی سرمایه‌ی اجتماعی تأکید دارد.

پاتنام از جمله محققانی است که به بررسی رابطه‌ی میان سرمایه‌ی اجتماعی و مشارکت مدنی پرداخته است. بنا بر عقیده پاتنام (۲۰۰۰)، شبکه‌های اجتماعی خلق شده از طریق مشارکت در انجمن‌های محلی، گروه‌ها و سازمان‌های محلی کانال‌هایی برای جریان نوع دوستی و هم‌نوع‌گرایی ایجاد می‌کنند که به نوبت هنجارهای فردی و همکاری‌های متقابل عمومی را به بار می‌آورد. پپا نوریس معتقد است که در تئوری پاتنام تعلق قوی به انجمن‌های

مدنی، عادات عمیق و ریشه‌داری را ایجاد می‌کند که به تقویت و تسهیل اعتماد اجتماعی، تساهل اجتماعی و درگیری مدنی منجر می‌شود (نیوتون و نوریس، ۲۰۰۰: ۱۵).

در دید پاتنام شبکه‌های تمدن مدنی تقویت‌کننده مؤثر هنجارهای عمل متقابل می‌باشند. هرچه تعامل میان افراد بیشتر باشد، آن‌ها اطلاعات بیشتری درباره‌ی یکدیگر به دست آورده و انگیزه‌های بیشتری برای اعتماد پیدا می‌کنند (روحانی، ۱۳۹۰: ۱۳).

هم‌چنین به اعتقاد کلمن (۱۳۷۷) روابط اجتماعی زمینه‌ی دسترسی به اطلاعات پر هزینه را به صورت بهینه و راحت فراهم می‌کند و بدین ترتیب افراد بدون صرف هزینه‌ی زیاد، تنها با گسترش روابط خود به اطلاعاتی دست می‌یابند که احتمالاً این اطلاعات می‌تواند زمینه‌ای را برای آگاه‌سازی از حقوق و تعهداتشان فراهم سازد. به طور کلی می‌توان گفت که شبکه‌های اجتماعی با فراهم کردن منابع و اطلاعات متنوع و مختلف از افراد گوناگون امکان پیشرفت در زندگی را برای ما ایجاد می‌کنند و در هماهنگی با اعتماد، مردم را در زندگی مدنی درگیر می‌سازد و نوعی احساس تعلق و وابستگی به اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، فراهم می‌کنند و باعث افزایش اولویت‌بخشی به منافع جمعی بر فردی در میان افراد می‌شود. فاکتور دیگر سرمایه‌ی اجتماعی اعتماد است، که توجه به آن در نظریات پاتنام و فوکویاما به روشنی مشهود است. پاتنام معتقد است که اعتماد به عنوان یکی از اجزای سرمایه‌ی اجتماعی موجب تسهیل همکاری می‌شود و هر چه سطح اعتماد در جامعه بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود و خود همکاری نیز اعتماد ایجاد می‌کند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۲).

فوکویاما (۱۹۹۵) نیز بیان می‌دارد نگرش‌های اعتماد بخش بدگمانی را نسبت به انگیزه‌های دیگران از بین می‌برد و نگرانی را در مورد عمل متقابل کاهش می‌دهد و احتمال اینکه پیوندهای اجتماعی به درگیری مدنی منجر شوند را افزایش می‌دهد. اسلانر و براون (۲۰۰۵) در یک بررسی تجربی به این نتیجه رسیدند که وجود اعتماد در بین اعضای جامعه زمینه‌های حضور فعال و مشارکت آن‌ها را در جامعه فراهم کرده و به بیان دیگر اعتماد را اکسیر جادویی برای درگیری مدنی و داوطلب‌گرایی معرفی می‌کنند. اهمیت اعتماد در نظر اسلانر و براون به حدی است که آن‌ها معتقدند، بر خلاف نظریه‌پردازانی همچون پاتنام که معتقدند فلش علی ارتباط از بعد ساختاری سرمایه‌ی اجتماعی به بعد شناختی سرمایه‌ی اجتماعی حرکت می‌کند، جهت این اثرگذاری از بعد شناختی به بعد ساختاری قرار دارد.

اعتماد متقابل از استانداردهای متقابل عمومیت یافته و از کارکرد شبکه‌های تعهد مدنی ناشی می‌شود، مردم زمانی با میل همکاری می‌کنند که اعتماد هست و همکاری در بازگشت اعتماد نقش دارد (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۰: ۳۸ و خاوری: ۶). هر چه افراد بتوانند به دیگر شهروندان و همچنین به نهادهای اجتماعی و حکومتی در درون جامعه بیشتر اعتماد کنند، احتمال شرکت آن‌ها در کنش‌های جمعی برای دستیابی به منفعت عمومی بیشتر خواهد شد. همچنین احتمال پذیرش دیگر افراد جامعه به منزله‌ی شهروندانی با حقوق برابر افزایش پیدا کرده، که این امر به رسمیت شناختن حقوق دیگران و تقبل مسؤلیت‌های اجتماعی بیشتر را در پی خواهد داشت.

فاکتور اعتماد در بستر شبکه‌های اجتماعی زمینه‌های مشارکت و حضور فعال افراد را در جامعه فراهم کرده و باعث گسترش هنجارهای بده‌بستان و همیاری می‌شود و بدین ترتیب موجبات افزایش احساس تعلق افراد به جامعه را فراهم می‌کند و آن‌ها را برای پذیرش حقوق و مسؤلیت‌های شهروندی‌شان تشویق می‌کند.

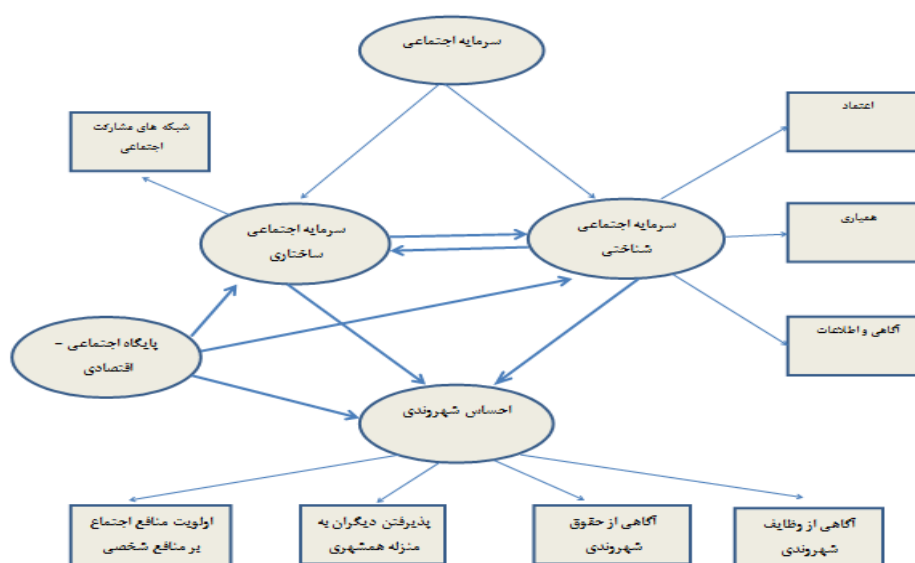
بنابراین در یک جمع‌بندی کلی از ارتباط سرمایه‌ی اجتماعی و شهروندی می‌توان به جرأت بیان کرد که عملکرد

اجزای سرمایه‌ی اجتماعی همچون اعتماد و همیاری درباره‌ی شبکه‌های اجتماعی و کارکرد سرمایه‌ی اجتماعی در راستای گسترش و تسهیل همکاری و کنش جمعی است و از این رو می‌تواند به نتایجی دست پیدا کند که در نبود این پدیده، دستیابی به آن ممکن نبود و یا با دشواری بسیار زیادی همراه می‌شد.

مدل نظری تحقیق

با توجه به ارتباط بیان شده بین سرمایه‌ی اجتماعی و شهروندی، مدل نظری تحقیق با استفاده از نظریات مطرح شده تنظیم گردیده که در قالب فرضیه‌هایی آزمون می‌گردند.

نمودار ۲- مدل نظری تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر احساس شهروندی



فرضیات تحقیق

- بین احساس شهروندی و بعد ساختاری سرمایه‌ی اجتماعی رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد.
- بین احساس شهروندی و بعد شناختی سرمایه‌ی اجتماعی رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد.

سؤال تحقیق

احساس شهروندی در جامعه‌ی آماری مشهد بیشتر به وسیله‌ی مدل نظری پاتنام تبیین می‌شود یا مدل حاصل از نتایج تحقیق اسلانر و بروان (۲۰۰۵)؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر مبتنی بر روش پیمایش است. جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر را همه‌ی شهروندان ۱۸ سال به بالای مناطق ۱۳ گانه‌ی مشهد در زمان مطالعه تشکیل می‌دهند که بر اساس آمار اخذ شده از مرکز پژوهش‌های شورای شهر مشهد جمعیت کل مشهد در سال ۱۳۹۰، ۲۷۶۶۲۵۸ نفر بوده است که از این تعداد ۲۶۳۵۱۹۲ نفر آن، ۱۸ سال به بالا هستند.

حجم نمونه با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران با دقت ۰/۹۵ و میزان خطای ۰/۰۵ (در مقیاس ۱ تا ۵) و مقدار واریانس با استفاده از پیش‌آزمون $s^2 = p \cdot q = 0/27$ ، ۴۱۵ به دست آمده است. روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری چند مرحله‌ای (تلفیقی) است.

در این تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ برای آزمون پایایی یا قابلیت اعتماد داده‌ها استفاده گردید که برای هریک از مفاهیم سازنده‌ی متغیرهای احساس شهروندی و سرمایه‌ی اجتماعی مقدار بالای ۰/۷ به دست آمد که بیانگر اعتبار نسبی گویه‌ها می‌باشد. روایی یا اعتبار اندازه‌گیری پرسشنامه نیز با جمع‌آوری نظرات و دیدگاه‌های استادان دانشگاه و کارشناسان علوم اجتماعی مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است.

یافته‌ها

توصیف متغیرهای زمینه‌ای

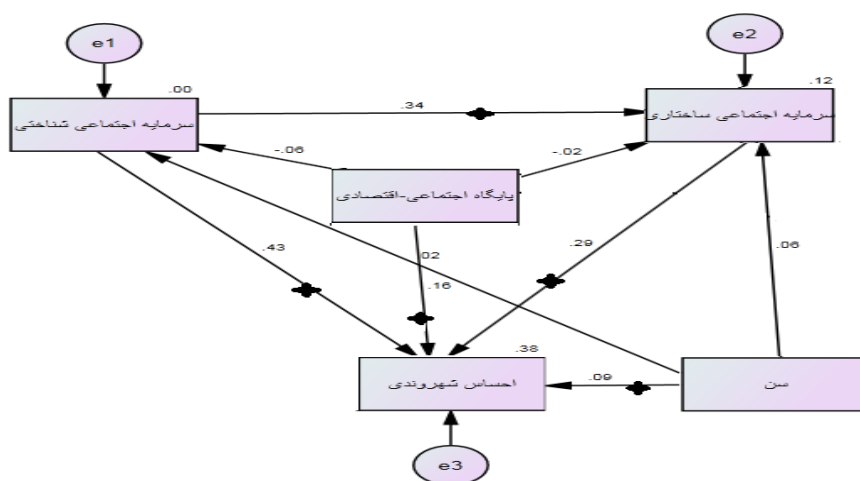
با توجه به اطلاعات جمعیت‌شناختی پژوهش حاضر، تعداد کل پاسخگویان ۴۱۵ نفر بوده‌اند که از این تعداد، ۱۸۲ نفر پاسخگویان مرد و ۲۳۳ نفر آنان زن بوده‌اند. بیشترین پاسخگویان گروه سنی ۳۰-۱۸ بوده‌اند و کمترین آن متعلق به گروه سنی ۶۰ سال به بالا هستند. بیشترین فراوانی مربوط به میزان تحصیلات نیز مربوط به سطح دیپلم با ۱۶۷ نفر و کمترین آن متعلق به سطح کارشناسی ارشد و بالاتر با ۱۸ نفر بوده است.

توصیف و تحلیل متغیرهای اصلی

برای آزمون مدل نظری تحقیق از روش تحلیل مسیر در نرم افزار Amos استفاده می‌شود. با توجه به اینکه نرمال بودن داده‌ها بحثی است که بی توجهی به آن توسط پژوهشگر می‌تواند وی را به نتیجه‌گیری نادرست هدایت کند؛ بنابراین بهترین راه استفاده از روش خودگردان‌سازی است که در آن نیاز به پیش‌فرض نرمال بودن وجود ندارد. بدین منظور در این پژوهش از برآورد پارامترها به روش خودگردان‌سازی استفاده می‌کنیم. با استفاده از Amos به برازش مدل نظری خود در دو حالت می‌پردازیم که بر مبنای دانش نظری پیشین تدوین شده است، مدل اول بر مبنای نظر پاتنام است که فلش علیت را از سرمایه‌ی اجتماعی ساختاری به شناختی قرار می‌دهد و مدل دوم بر مبنای نتایج نظری پژوهش اسلانر و براون (۲۰۰۵) فلش علیت از سرمایه‌ی اجتماعی شناختی به ساختاری است.

مدل اول

نمودار ۳- مدل نظری برازش شده بر مبنای نتایج تحقیق اسلانر و براون (۲۰۰۵)



* ضرایب معنادار با علامت ستاره در نمودار مشخص شده‌اند
 با توجه به آماره χ^2 که مقدار صفر را نشان می‌دهد مدل کاملاً اشباع شده است.

جدول ۲- برآورد پارامترها به روش معمولی و خودگردان

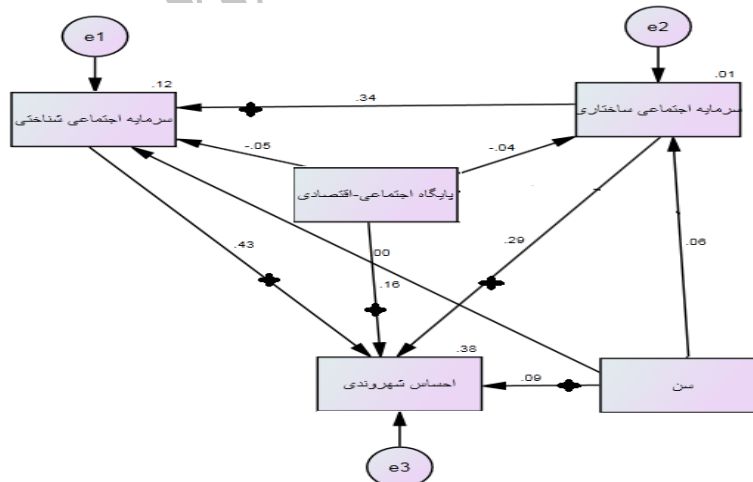
متغیر تأثیرپذیر	جهت اثرگذاری متغیرها	متغیر اثرگذار	برآورد پارامترها به روش معمولی	برآورد پارامترها به روش خودگردان
سرمایه اجتماعی ساختاری	<---	سرمایه اجتماعی شناختی	۰/۳۳۶	۰/۳۳۶
احساس شهروندی	<---	سرمایه اجتماعی شناختی	۰/۴۳۴	۰/۴۳۷
احساس شهروندی	<---	سرمایه اجتماعی ساختاری	۰/۲۸۹	۰/۲۹۳
احساس شهروندی	<---	پایگاه اجتماعی - اقتصادی	۰/۱۵۵	۰/۱۵۵
احساس شهروندی	<---	سن	۰/۰۹۳	۰/۰۹۶

جدول ۳- اثرات کل متغیرهای مدل

مجموع اثرات	سرمایه ساختاری	سرمایه شناختی	پایگاه اجتماعی - اقتصادی	سن	
۰/۳۳۶	-	۰/۳۳۶	-	-	سرمایه اجتماعی ساختاری
۱/۰۷۹	۰/۲۹۳	۰/۵۳۵	۰/۱۵۵	۰/۰۹۶	احساس شهروندی

مدل دوم

نمودار ۴- مدل نظری برازش شده مبتنی بر نظریه‌ی پاتنام



* ضرایب معنادار با علامت ستاره در نمودار مشخص شده‌اند

با توجه به آماره χ^2 که مقدار صفر را نشان می‌دهد مدل کاملاً اشباع شده است؛ یعنی تمام مسیرهای ممکن در آن ترسیم شده‌اند.

جدول ۴- برآورد پارامترها به روش معمولی و خودگردان

متغیر تأثیرپذیر	جهت اثرگذاری متغیرها	متغیر اثرگذار	برآورد پارامترها به روش معمولی	برآورد پارامترها به روش خودگردان
سرمایه‌ی اجتماعی شناختی	<---	سرمایه‌ی اجتماعی ساختاری	۰/۳۳۷	۰/۳۳۶
احساس شهروندی	<---	سرمایه‌ی اجتماعی شناختی	۰/۴۳۴	۰/۴۳۷
احساس شهروندی	<---	سرمایه‌ی اجتماعی ساختاری	۰/۲۸۹	۰/۲۹۳
احساس شهروندی	<---	پایگاه اجتماعی - اقتصادی	۰/۱۵۵	۰/۱۵۵
احساس شهروندی	<---	سن	۰/۰۹۳	۰/۰۹۶

جدول ۵- اثرات کل متغیرهای مدل

مجموع اثرات	سرمایه‌ی ساختاری	سرمایه‌ی شناختی	پایگاه اجتماعی - اقتصادی	سن	
۰/۳۳۶	۰/۳۳۶	-	-	-	سرمایه‌ی اجتماعی شناختی
۱/۱۲۸	۰/۴۴	۰/۴۳۷	۰/۱۵۵	۰/۰۹۶	احساس شهروندی

بررسی و مقایسه‌ی دو مدل پاتنام و اسلانر و براون (۲۰۰۵)

مقایسه‌ی دو مدل نشان دهنده‌ی این مطلب است که افزایش افزایش احساس شهروندی در مدل ۲ (۱/۱۲۸)، بیشتر از مدل ۱ (۱/۰۷۹) می‌باشد که این موضوع بیانگر این مطلب است که با احتمال بیشتر، فلش علیت با تأثیرگذاری بیشتری از سرمایه‌ی اجتماعی ساختاری به سرمایه‌ی اجتماعی شناختی قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری:

در این پژوهش دو مدل نظری را بر اساس چارچوب نظری و نتایج حاصل از تحقیقات پیشین تدوین نمودیم. مدل اول مبتنی بر نظریات پاتنام می‌باشد؛ از نظر وی هرچه تعامل (سرمایه‌ی اجتماعی ساختاری) میان افراد بیشتر باشد، آنها اطلاعات بیشتری درباره‌ی یکدیگر به دست آورده و انگیزه‌های بیشتری برای اعتماد (سرمایه‌ی اجتماعی شناختی) پیدا می‌کنند؛ بنابراین به اعتقاد پاتنام فلش علی این ارتباط با احتمال بیشتر از بعد ساختاری سرمایه‌ی اجتماعی به بعد شناختی آن حرکت می‌کند. مدل دوم مبتنی بر نتایج تحقیق اسلانر و براون (۲۰۰۵) می‌باشد. به اعتقاد اسلانر و براون، بر خلاف بیشتر بحث‌های نظری پیرامون اعتماد و مشارکت، که اعتقاد به تأثیر مشارکت مدنی (سرمایه‌ی اجتماعی ساختاری) بر اعتماد (سرمایه‌ی اجتماعی شناختی) دارند، فلش علی این ارتباط با احتمال بیشتر از بعد شناختی سرمایه‌ی اجتماعی به بعد ساختاری آن حرکت می‌کند.

نتایج تحقیق نشان دهنده‌ی این مطلب است که دو فرض اصلی تحقیق مبتنی بر تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی ساختاری و شناختی بر احساس شهروندی در هر دو مدل مورد تأیید قرار گرفته است؛ بنابراین با افزایش هر یک از دو بعد

ساختاری و شناختی سرمایه‌ی اجتماعی افراد، احساس شهروندی آنان نیز افزایش می‌یابد. هم‌چنین درباره‌ی سؤال تحقیق که اثربخشی دو مدل پاتنام و اسلانر و براون را در جامعه‌ی آماری مشهد مورد پرسش قرار داده بود، نتایج تحلیل مسیر نشان داد که افزایش احساس شهروندی در مدل پاتنام، بیشتر از مدل اسلانر و براون می‌باشد که این موضوع بیانگر این مطلب است که اثر غیر مستقیم سرمایه‌ی اجتماعی ساختاری بر احساس شهروندی که با میانجی‌گری سرمایه‌ی اجتماعی شناختی صورت گرفته است، در مقایسه با اثر غیر مستقیم سرمایه‌ی اجتماعی شناختی بر احساس شهروندی با میانجی‌گری سرمایه‌ی اجتماعی ساختاری، بیشتر می‌باشد. به عبارتی بعد ساختاری سرمایه‌ی اجتماعی با اثرگذاری بر بعد شناختی آن، نقش مؤثرتری در تقویت احساس شهروندی شهروندان مشهودی ایفا می‌کند.

بنابراین با توجه به داده‌های این پژوهش در تأیید نظر پاتنام و آنچه که نتایج تحقیق یوزلانر (۱۹۹۸) نشان داده است - مبنی بر اینکه افرادی که بیشتر در مراسم مذهبی و دینی شرکت می‌کنند، مشارکت غیر رسمی بیشتری داشته و در نتیجه به دلیل داشتن سرمایه‌ی اجتماعی زیادتر، تمایل بیشتری برای مشارکت داوطلبانه در امور شهری دارند - می‌توان گفت در شهر مشهد به دلیل بافت مذهبی آن، شهروندان از طریق عضویت در انجمن‌ها و شبکه‌های اجتماعی مذهبی، حس همیاری، اعتماد متقابل را در برابر نظرات متفاوتی که در گروه مطرح می‌شود پیدا می‌کنند و به آگاهی‌های اجتماعی که لازمه‌ی عمل به شهروندی است دست می‌یابند. بدین ترتیب این مکانیزم در راستای تسهیل و گسترش کنش جمعی عمل می‌کند و موجبات افزایش احساس تعلق افراد به جامعه را فراهم می‌کند؛ که با تقویت احساس شهروندی افراد، آنان را برای پذیرش حقوق و مسؤولیت‌های شهروندی‌شان تشویق می‌کند و باعث می‌شود که افراد از روی میل، درخواست همکاری و فعالیت اجتماعی داشته باشند و با اولویت‌بخشی منافع اجتماع بر منافع فردی خود جامعه را در مسیر رسیدن به کمال هدایت کنند. البته این مطلب را نیز نباید نادیده گرفت که جنبه‌های متفاوت اعتماد، همیاری و آگاهی و شبکه‌های اجتماعی که مؤلفه‌های دو بعد شناختی و ساختاری سرمایه‌ی اجتماعی را تشکیل می‌دهند به یکدیگر وابسته‌اند که این وابستگی به یکدیگر، سرمایه‌ی اجتماعی را تولید و بازتولید می‌کند و به تقویت احساس شهروندی افراد منجر می‌شود. بر این اساس می‌توان گفت که سرمایه‌ی اجتماعی یک پیشنهاد برای تقویت احساس شهروندی افراد محسوب می‌شود که در نهایت جامعه را در دسترسی به هدف مشترک و حفظ ذات و انسجام کمک می‌کند.

با توجه به تحقیقات پیشین که سرمایه‌ی اجتماعی و احساس شهروندی را با متغیرهای زمینه‌ای پایگاه اجتماعی-اقتصادی، سن در ارتباط گذاشته بودند، در این پژوهش نیز این ارتباطات در مدل تحلیل مسیر مورد آزمون قرار گرفت.

نتایج تحلیل مسیر نشان داد که برخلاف وجود رابطه‌ی معنادار بین سن و سرمایه‌ی اجتماعی در تحقیق فهمی (۲۰۰۶) بین سن با هیچ یک از ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی رابطه معناداری وجود نداشت. هم‌چنین فرضیه‌ی تأثیر پایگاه اجتماعی اقتصادی بر هر یک از ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی نیز، بر خلاف نتایج تحقیق لارسن و همکارانش (۲۰۰۴) و حسینی (۱۳۸۴) مورد تأیید قرار نگرفت. نتایج آزمون نشان داد که در تأیید نتایج تحقیق لارسن و همکاران (۲۰۰۴) در زمینه تأثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی بر احساس شهروندی، بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی و احساس شهروندی رابطه‌ی معنادار مثبت وجود داشت. به طوری که با افزایش پایگاه اجتماعی اقتصادی افراد،

احساس شهروندی آنان نیز افزایش می‌یابد.
سن نیز به عنوان عاملی مؤثر بر احساس شهروندی مورد آزمون قرار گرفت که تأثیر مستقیم و معناداری بر احساس شهروندی داشت که این مطلب تأییدکننده‌ی نتیجه‌ی تحقیق فاطمی‌نیا (۱۳۸۷) درباره‌ی وجود این رابطه است.

Archive of SID

منابع

- ایمانی جاجرمی، حسین. (۱۳۸۰). سرمایه‌ی اجتماعی و مدیریت شهری، فصلنامه‌ی مدیریت شهری، شماره‌ی ۷.
- ایمانی جاجرمی، حسین و سید احمد فیروزآبادی. (۱۳۸۵). سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی اقتصادی- اجتماعی در کلان‌شهر تهران مجله‌ی رفاه اجتماعی، شماره ۲۳.
- پاتنام، رابرت. (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی: تجربه‌ی ایتالیا و درس‌هایی برای کشورهای در حال گذار، ترجمه‌ی محمدتقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور.
- توسلی، غلامعباس و حسینی نجاتی، سید محمود. (۱۳۸۳). واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی پنجم، شماره‌ی ۲.
- ترکمان پور، فرح و بهمن پور، سکینه. (۱۳۸۹). نقش شهروندی بر اساس کتاب‌های علوم اجتماعی دوره‌ی دبیرستان، نشریه‌ی علوم رفتاری، شماره‌ی ۳.
- خاوری، زهرا و راضیه خاوری، بررسی تأثیر شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی بر وضعیت اقتصادی محله؛ مطالعه‌ی موردی: محله‌ی طلاب، فصلنامه‌ی مدیریت شهری سال نهم، شماره‌ی ۲۷.
- روحانی، حسن. (۱۳۹۰)، سرمایه‌ی خانواده، سنگ بنای سرمایه‌ی اجتماعی، نشریه‌ی راهبرد، شماره‌ی ۵۹.
- روشنفکر پیام و محمد سعید ذکایی. (۱۳۸۵)، جوانان، سرمایه‌ی اجتماعی و رفتارهای داوطلبانه، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره‌ی ۲۳.
- شیانی، ملیحه و سیاوش فاطمی نیا. (۱۳۸۸). میزان آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق و تعهدات شهروندی، نشریه‌ی راهبرد توسعه، شماره‌ی ۱۸.
- شیانی، ملیحه و داوودمندی، طاهره. (۱۳۸۹). تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان، فصلنامه‌ی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه‌ی اجتماعی، شماره‌ی ۵.
- شجاعی باغینی، محمد مهدی و همکاران. (۱۳۸۷). مبانی مفهومی سرمایه‌ی اجتماعی، پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی، نشر تهران.
- فیلد، جان. (۱۳۸۵). سرمایه‌ی اجتماعی، ترجمه‌ی احمدرضا اصغرپور، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- ماجدی، مسعود، لهسایی زاده، عبدالعلی. (۱۳۸۵). بررسی رابطه‌ی بین متغیرهای زمینه‌ای، سرمایه‌ی اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی، فصلنامه‌ی روستا و توسعه، سال ۹، شماره‌ی ۴.
- _____ . (۱۳۸۹). نشریه‌ی علوم اجتماعی رفاه اجتماعی، شماره‌ی ۳۸.
- مانی‌فر، محمدرضا؛ (۱۳۷۶). رادیوهای شهری و آموزش شهروندی، کتاب سمینار رسانه و آموزش شهروندی اصل مقالات.
- نوابخش، مهرداد و جمیله فدوی. (۱۳۸۷). بررسی ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی و نقش آن در توسعه‌ی شهری؛ مطالعه‌ی موردی منطقه‌ی ۵ شهر تهران، پژوهش‌نامه‌ی علوم اجتماعی گرمسار، سال دوم، شماره‌ی ۱.
- نیاکان، نازیلا. (۱۳۸۶). سرمایه‌ی اجتماعی و جنسیت در محیط کار، ترجمه‌ی اکبر حسن پور، نشریه‌ی تدبیر، شماره‌ی ۱۸۳.
- نبوی، سیدعبدالحسین، ارشاد، فرهنگ، فاضل، سید حسام‌الدین. (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر احساس شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز، فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره‌ی ۳۸.
- هاشمیان فر سید علی، گنجی محمد. (۱۳۸۸). تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان، نشریه‌ی مجله‌ی پژوهشی

- Ahn, T. and Ostrom, E.2002. Social capital and the second generation theories of collective action: An analytical approach to the forms of social capital, Workshop in political theory and policy analysis Indiana University
- Becker, G. S.1964. Human Capital: a theoretical and empirical analysis, New York: National Bureau of Economic Research.
- Conover, P & Crewe, I & Searing, D.1997. The nature of citizenship in the united states & great britain: empirical comments on theoretical theme.The Journal of Politics; Vol 53, No 3.
- Fahmy, Eldin.2006. Social capital and civic action: a study of youth in the United Kingdom, Young Nordic Journal of Youth Research, 14(2) , May 2006, pp.101-118.
- Krishna, A. and Uphoff, N. 2002.Mapping and measuring social capital through assessment of collective action to conserve and develop watershed in Rajasthan, India, In Grootaert and Bastelaer (eds.), The Role of Social Capital in Development, Cambridge: Cambridge University Press.
- Kwak,Nojin Dhavan V. Shah and R. Lance Holbert.2004.Connecting, Trusting, and Participating: The Direct and Interactive Effects of Social Associations», political Research Quarterly, Vol. 57, No. 4 (Dec. 2004) , pp. 643-652.
- Leigh, Reymond. 2006.Cooperation without trust: Overcoming-collective action barriers to endangered species protection, The Policy Studies Journal, Vol. 34, No. 1, pp: 37-57.
- Larsen Larissa, et al.2004 "Bonding and Bridging: Understanding the Relationship between Social Capital and Civic Action", journal of planning education and research, sage publication, pp 64-77.
- Newton, K. & P. Norris. 2000. Trust in Public Institutions: Faith, Culture, or Performance, Available online at www.scapital.com. Last accessed Nov 2008.
- Putnam, Robert.2000.Bowling Alone : The Collapse and Revival of American Community, New York : Simon and Schuster.
- Uslaner, E.M. 1998. Social Capital, Television, and the Mean World: Trust, Optimism, and Civic Participation, Political Psychology, 6 (1): 64-74

Archive